زنده‌باد رهبر روی زمین اتحاد

پیکار خلق

۵۰

یکشنبه ۲۶ مرداد ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

رجائی و کابینهٔ "یکدست!"

بالاخره صدای هلهله و شادی مهره های حکومتی بهوا برخاست که نخست وزیر مطلوب "امت" را یافتیم! این شخص رجائی وزیر آموزش و پرورش رژیم ضد خلقی و نمایندهٔ مجلس فرمایشی است. وی کسی است که همراه باهنر و بهشتی شرکت بازرگانی و ساختمانی اهداف راسرمایه‌گذاری کرده و از قبل دسترنج زحمتکشان سودهائی کلانی بجیب میزنند. هردانش آموز و آموزگار ضد امپریالیست و انقلابی بخوبی میداند که رجائی چگونه با بخشنامه های ارتجاعی دانش‌آموزان مبارز را تحت فشار و سرکوب قرار داده و معلمین انقلابی را اخراج کرد.

اما بر سر تعیین نخست وزیر در جناح های حکومت ارتجاعی کشمکش‌های بسیاری صورت گرفت. خوانندهٔ عزیز اگر فراموش ننموده باشد میداند که بنی صدر رابتدا میرسلیم یکی از اعضاء حزب جمهوری اسلامی را برای نخست وزیری معرفی نموده بود. حزب جمهوری اسلامی که اکثریت نمایندگان مجلس را بخود اختصاص داده است، تمایل فراوانی داشت که جلال الدین فارسی انتخاب شود. اما این فرد بدلیل آنکه بهیچ شکلی حاضر به کنارآمدن باجناح بنی صدر نبود، مورد توافق بنی صدر قرار نگرفت. پس از این کشمکش هیئتی تعیین و وارد "بررسی" شد و بالاخره حزب جمهوری اسلامی توانست رجائی را که بهشتی در موردش میگوید "آقای محمد علی رجائی عضو حزب جمهوری اسلامی نیست ولی از کسانی است که خط مشی حزب را تأیید

بقیه در صفحهٔ ۲

دو گزارش از:

کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی ممتاز

"تصفیه و "پاکسازی" علم شده از طرف جناح فراگیر جمهوری اسلامی بالاخره دامن کارخانهٔ ممتاز را هم فراگرفت. اخیراً در حدود ۱۴ نفر از کارگران مبارز این کارخانه (برخی از آنها شش سال، چهارسال و دوسال سابقهٔ کار در کارخانه را داشته و اکثراً در بازگرداندن کارگرانی که بدلیل مبارز بودن اخراج شده بودند، نقش فعالی داشتند) اخراج میشوند. بطوریکه از شواهد امر برمیآید این رشته سر دراز دارد، زیرا شورای ضد کارگری کارخانه در نظر دارد که حدود ۵۳ تن از کارگران مبارز این کارخانه را اخراج کند. روشن است که این باصطلاح پاکسازی تحت پوشش تصفیهٔ عناصر ساواکی و وابستگان به رژیم سابق اجرا می‌شود. ولی دروغ بودن این ادعا هر روز بیشتر برای کارگران روشن میشود. زیرا اگر اینان واقعاً قصد اخراج عوامل رژیم سابق را داشتند، پس چگونه است که هنوز افرادی چون اکبر اکبری و رضارعیت و ..... در کارخانه باگرفتن حقوقهای کلان بکار مشغول هستند؟ افرادی که در زمان آریامهر در رأس سندیکا و فروشگاه و ..... قرار داشتند و کارگران هزاران نمونه از زورگوئی و قلدری و دزدی آنان بیاد دارند. کارگران کارخانه برای اخراج این افراد در قبل از عید ۱۵۰۰ امضاء جمع کرده و چون دیدند گوش کسی بحرفشان بدهکار نیست، خود رأساً اقدام و آنان را اخراج کردند. اما پس از چندی آنها بکمک افراد کمیته و وزارت "کار"

بقیه در صفحهٔ ۳

نامهٔ یک کارگر به همزنجیرانش

صفحه ۴

اخبار کردستان

بوکان * ۲/۵/۵۹ ـ در این روز سه فروند از هلی کوپترهای جمهوری اسلامی روستای تکان تپه را زیر آتش گرفتند که در نتیجهٔ آن یک نوجوان ۱۲ ساله هدف قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید.

۱/۵/۵۹ ـ در این روز اعتصاب ۴ روزهٔ کارگران قالبد ارکوه پزخانهٔ اتحاد با پیروزی بپایان رسید و کارگران به سر کار خود بازگشتند.

این اعتصاب از روز ۲۸/۴/۵۹ آغاز شده، کارگران خواستار ۹۰۰ ریال مزد برای هر ۱۰۰۰ قالب بودند. کارفرما ۸۰۰ ریال تعیین کرده بود. همچنین کارگران خواستار پرداخت دستمزد عقب افتادهٔ ماههای اخیر خود بودند. در روز سوم اعتصاب حزب دمکرات مقرقره موسی لو در اجرای شکایت کارفرما و نفراز کارگران را احضار نموده ـ کارگران بعنوان اعتراض به مقر حزب در قره موسی لو مراجعه کرده و از آنجا به مهاباد آمدند. سرانجام کارفرما با خواستهای آنها موافقت نمود و نمایندگان بهمراه دیگر کارگران بسر کار خود مراجعت کردند.

بقیه در صفحهٔ ۴

مشت نمونهٔ خروار است

صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته

www.peykar.org

رجائی و ...

کرده است" ، به بنی صدر تحمیل نماید .
رفسنجانی در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی میگوید " ولی در مذاکرات و مشورتهای قبلی که صورت گرفته است ، حزب جمهوری اسلامی هم نظر خود را عنوان کرده بود که اکثریت اعضاء شورای حزب با آقای رجائی موافق هستند" .
جلالی که از طرف بنی صدر در هیئت تعیین نخست وزیر شرکت کرده بود ، رجائی را مطابق میل رئیس جمهور نمیداند . بنی صدر هم در نامه ای که برای معرفی رجائی به مجلس مینویسد ، غیر مستقیم از خود سلب مسئولیت مینماید .

همچنانکه قبلاً بارها گفته ایم جنگ و جدال دو جناح سرمایه داری حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر ، بخاطر تسخیر اهرمهای اصلی سیاسی قدرت میباشد تا پایه های اقتصادی را بنفع خود تقویت نمایند . نخست وزیر بودن در واقع یکی از اهرمهای اصلی برای دست یافتن به چنین هدفی است . نخست وزیر با تعیین وزرای مورد نظر میتواند بتمام اهرمهای سیاسی ـ اقتصادی کشور دست یابد ، لذا هر جناح که بتواند کابینه و نخست وزیر را از آن خود داشته باشد ، سهم اصلی را برده است . در این جنگ بنی صدر بازنده شد . بنی صدر برای آنکه از قافله عقب نماند ، دست به افشاگریهای دو پهلو میزند . او از یکطرف رجائی را بعنوان شخصی که تجربهٔ زیادی در امور مملکتی ندارد و سرخود عمل میکند ، افشاء مینماید و کار را بجائی میرساند که در یکی از سخنرانیهایش در مسجد الجواد ، مستمعین خود را تحریک کرده و واداربه گفتن " مرگ بر رجائی " می نماید و از طرف دیگر رجائی را " مؤمن به انقلاب اسلامی " بحساب آورده و در حقیقت در مقابلش عقب می نشیند . بنی صدر پس از شکستی که در انتخاب نخست وزیر خورد ، حال میخواهد به رجائی بفهماند که باید در تشکیل کابینه از جناح وی استفاده بعمل آورد و از این جهت در یک سخنرانی میگوید " اگر مردم را در امر خودشان مشارکت ندهیم ، گروهها بجنگ قدرت میپردازند و هرج و مرج میشود آنطور که در بیست و هشتم مرداد شد " .
در مقابل ، رفسنجانی از قول رجائی حسابش را با بنی صدر روشن میسازد و میگوید " من این سخن آقای رجائی را که امروز در مجلس عنوان کرد می پسندم که کابینه اگر بصورت شرکت سهامی در نیاید بهتر است ..... اگر کابینه یک دست نباشد وقت گیر خواهد شد " .

فی الواقع رجائی از هم اکنون برای تشکیل کابینه یک دست و یا نزدیک به یک دست وارد فعالیت وسیعی شده است . وی با تمام ارگانها و نهادهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی و یا متمایل به آن ، چون سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، کمیتهٔ مرکزی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و ..... تماس برقرار نموده و آنطور که خود میگوید میخواهد افرادی را از این مراکز بعنوان وزیر انتخاب کند . مطلبی که از همین امروز روشن است ، این است که حزب جمهوری اسلامی اکثریت کرسی کابینه را در دست خود متمرکز خواهد ساخت و با قدرت بیشتری از یکسو بجنگ با جناح رقیب در حکومت ، و از سوی دیگر بمقابله با انقلابیون و کمونیستها برخواهد خاست . اما مطلب مهمی را که نباید فراموش نمود ، این است که علیرغم تمام هوچیگریها و حقه بازی های سیاسی که دو جناح سرمایه داری حاکم در ایران برعلیه یکدیگر براه انداخته اند ، این حکومت بنفع زحمتکشان میهن ما قدمی برنخواهد داشت . آنها حاضرند بانام مردم مردم را قربانی اهداف منافع جویانه و پلید خود سازند . این منطق طبقاتی آنها است و جز این راه دیگری ندارند ●

تصحیح و پوزش

در پیکار خلق شمارهٔ ۴۹ صفحهٔ ۳ ستون ۳ در دنبالهٔ مقالهٔ " دست هیئت حاکمه آغشته بخون انقلابیون " سطر ۱۱ جملهٔ " صفیر گلوله های خلق کرد " اشتباه بوده و صحیح آن " صفیر گلوله های دشمنان خلق کرد " میباشد . باعرض معذرت از خوانندگان عزیز ، میکوشیم در تایپ مقالات دقت بیشتری بنمائیم ●

دو گزارش از ...

آنها قرار میگیرند و در این مواقع است که قبلا یعنی از قبیل آنچه که در پنجشنبه ۹/ ۵/ ۵۹ اتفاق افتاد ، رخ میدهد . البته نباید خیال کرد که این اتفاقات و فجایع منحصر بکارگران تازه کار و جدید است ، بلکه چنین خطراتی جان کارگران باسابقه و قدیمی را هم تهدید میکند . مهمترین عامل آن همانا راندمان و مسئلهٔ کارمزدی است . بخاطر بالا بودن راندمان حتی گاهی اگر دستگاهی نقص پیدا کند ، چون تا آمدن مکانیک و تعمیر آن مدت زمانی و شاید ساعتها طول بکشد و در این فاصله باید ماشین خوابانده شود و لذا بدیهی است که اینکار باعث پائین آمدن راندمان و در نتیجه مزد کارگر میشود ، بهمین جهت کارگر سعی میکند بهر ترتیبی شده ماشین را بکار انداخته و راندمان خود را زیاد کند . در اینجا نیز فجایعی از قبیل ماندن دست در لای ماشین ، شکستن دست و سر و ..... بوقوع میپیوندند . و اینهاست جزئی از " ارمغان " سرمایه داری و رژیم سرمایه داری برای کارگران . ریشه کن باد هر آن رژیمی که انسان را در خدمت ماشین ، سرمایه دار و سرمایه داری در می آورد ●

منتشر شد :

مسائل تئوریک ـ سیاسی

:: نکاتی پیرامون اوضاع کنونی و مسئلهٔ وحدت

:: نقدی بر مواضع ایدئولوژیک ـ سیاسی "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر (۲)

:: در رد تئوری ضد مارکسیستی "سازمان انقلابی"

:: یادداشتهائی بر کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ (۳)

گروه انقلابیون مارکسیست ـــ لنینیست

در پخش پیکار خلق

مارا یاری رسانید

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

دوگزارش از ...

مجدداً بکارگمارده میشوند و در حال حاضر باگردنی افراخته در کارخانه به رفت و آمد مشغول میباشند . اگرشورای ضد کارگری راست میگوید ، اگرحکومت جمهوری اسلامی راست میگوید ، باید کارخانه از وجود این عناصر مزدوریاك شود ونه عناصرو کارگران مبارز که حرکت و هدفشان درخدمت منافع کارگران است . شورای ضد کارگری قبل از عید براثرافشاگری عناصرآگاه و کارگران مبارز درزمینهٔ زد و بند هائی که بامدیرعامل قبلی ، یعنی "مقدم" داشتند ، ناچاربه استعفاء شد . ولی بعد ازاثرکم کاریهائی درپیشبرد یك سیاست درست و یابرنامه در رابطه با چگونگی تشکیل یك شورای کارگری واقعی مجدداً اکثرافراد این شوراانتخاب شدند . واینك همین شورای ضد کارگری ، طبق اطلاعیه ای خبراز اخراج ۱۴ تن ازکارگران مبارز رامیدهد و آنهم باین عنوان که این کارگران درمنزل جلسه داشته و قصد داشتند همزمان باکودتای اخیرارتش،این هانیز درسطح کارخانه دست به اغتشاش، تخریب و اعتصاب و .....بزنند ! و بالاخره تبلیغ این امر که فقط این عده نبوده بلکه حدود پنجاه شصت نفر دیگرراهم درایـن رابطه اخراج خواهیم کرد . ولی واقعیت غیرازاین است . رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آن همواره میکوشند بازدن برچسبها و شایعه پراکنی ، دست به تصفیه و اخراج کارگران مبارز بزنند (بخصوص اگروقایعی مثل کودتاهم دربین باشد فرصت رابیشتر غنیمت میشمارند) زیرااین کارگران درحرکت خود نشان داده اند که بااین رژیم سرسازگاری نداشته و همواره به افشاء بیرحمانهٔ وی دست زده و کوشیده اند که ماهیت ضد کارگری حکومت رابرای کارگران دیگرتوضیح دهند تاازخوش باوری کارگران ناآگاه نسبت به این رژیم جلوگیرند . امارژیم و عوامل آن تاچه وقت قادرهستند باسیاستهای عوام ـ فریبانه به زندگی ننگین خود ادامه دهند ؟ بابررسی وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی موجود و مطالعهٔ کارنامهٔ عنرد یك به ۲۰ ماهه حکومت روشن میگردد که این رژیم عملاً قادربهادامهٔ اینکار دردرازمدت نیست . چه دیگرکارگران و اقشارزحمتکش هرروز امید اولیهٔ خود رابه حکومت کم از دست داده و درزندگی روزمرهٔ خود میبینند که حکومت جمهوری اسلامی نه تنهادرخدمت آنهانیست ، بلکه درمقابل آنهاقرارگرفته است . ودراینجاست که کوشش انقلابیون کمونیست و کارگران آگاه میتواند در تسریع روند این پروسه (زدوده شدن امیدزوده هابه حکومت) نقش مهمی ایفاکرده و با افشاء همه جانبهٔ حرکات و سیاستهای حکومت و بخصوص بادریدن چهرهٔ "ضد امپریالیستی" آن ، هرچه بیشترزمینهٔ اعتلاءشرایط عینی کارگران و توده های زحمتکش وبسیج و هدایت آنان رادرسازمانهاو تشکل های مستقل بخود ، فراهم ساخته و درجهت برقراری جمهوری دمکراتیك خلق پیش‌رفت."

* * *

"درروز پنجشنبه ۵۹/۵/۹ دست کارگرجوانی که چندی پیش درکارخانه استخدام شده و بتازگی درقسمت حلاجی پشت دستگاه گمارده شده بود ، لای غلطك ماشین حلاجی مانده و ازآرنج قطع میشود . ازاین وقایع دردناك هرچندوقت یکبارو به انواع مختلف درکارخانه اتفاق می افتد و مسئله فقط منحصر به قسمت حلاجی نیست ، بلکه بارهادرقسمت بافندگی ، ریسندگی ، رنگرزی و .....اتفاقات ناگواری برای کارگران رخ می‌دهد . مثلا هرچندوقتی شنیده میشود که ماکو به فلان بافنده و یاماسوره زن خورده و یا دست کارگری لای ماشین مانده ویا ..... ناگفته پیداست که اگراین اتفاقات بخصوص درشب رخ دهد ، چه بروز کارگربخت برگشته می‌آید . چون اساساً دراین کارخانه ،باوجود اشتغال حدود ۳۰۰۰ کارگرو کارمند ، نه دکتری و نه وسیله ای برای اینگونه موارد وجود دارد که بتوان مصدوم و یامضروب رابلا فاصله به درمانگاه یابیمارستانی رساند . تازه اگرشانس کارگرگفته باشد ووسیله ای هم‌فراهم شود ، دردسرهای بعدی برای پیداکردن بیمارستانی که شبانه روزی باشد و دکتری هم درآنجاحضورداشته باشد ، پیش می‌آید . این چنین مشکلاتی همواره کارگران رارنج و عذاب میدهد . تنهاخدمات پزشکی کارخانه منحصر است به آسپرین ودوای قرمزو مقداری باند که درکشوی میز نگهبانان نگهداری میشود وآن هم معلوم نیست که همیشه موجود باشد ، با وجود اینکه کارگران و کارخانه ماهیانه حدود ۱۵۰۰۰۰۰ ریال حق بیمه پرداخت می‌کنند . امابایددید که چرااینگونه وقایع هر چند یکبارمرای کارگران اتفاق می افتد ؟

اصولا آنچه که برای رژیمهای سرمایه‌داری ارزش دارد و مهم است ، خرج کمتر و بدست آوردن سود بیشتراست و نه جان یك کارگرو بطور کلی انسانها . بنابراین هیچگونه پیش‌بینیهای ایمنی برای جلوگیری ازخطرات احتمالی برای کارگران ، اساساً درجوامع سرمایه داری وجود ندارد و اگرهم باشد بسیار بسیاراندك است و آنهم تاحدودی که سرمایه داران متضررنشوند . لذا خطرات در محیط کارهمیشه وجود داشته و جان کارگران راتهدید می کند . ازطرف دیگرچون درکارخانهٔ ممتاز اساساً کاردریشت ماشینها بصورت کارمزدی یعنی راندمان حساب میشود ، لذا هرکارگری برای بدست آوردن چند رقازبیشتر تلاش دارد که هرچه زودترماشین یاماشینهائی تحویل بگیرد تابتواند باکارمزدی مقداری مزدش رابالا ببرد . ازاین جهت است که بیشترکارگران ساده میکوشند هرروزهرچه‌زودتر کارهای محولهٔ خود رابپایان برسانند تا بلکه بتوانند درفرصت باقیمانده روی ماشینهای مثلاً بافندگی کارکرده و اصولا کاربااین ماشینهارایاد بگیرند تادرآینده اگربافنده ، ریسنده ای..... اخراج گردیده و یابه عللی از کارخانه رفت ، ماشینهای اوراتحویل بگیرند این حرکت بیشتربا توصیهٔ متصدیها وسرپرستان نیز توأم است . هدف کارفرمااز پرورش چنین روحیه ای نیز روشن است . زیرااولاً این کارگران سعی میکنند که کارخود راهرچه بهتر و سریعترانجام دهند . ثانیاً باکمك به بافنده ای که برروی ماشین کارمیکند ، تااندازه ای تولید رابالا میبرند . ثالثاً کارفرما همیشه رزرو و ذخیره برای روز مبادا دارد که اگربافنده و ریسنده ای ازکاربرکنارشد و یارفت ، بلافاصله اینهارابجای آنهابگمارد و بدون پرداخت دیناری از این طریق تاحدودی کارگران متخصص‌جهت بهره بری بیشترخود بوجود آورد . رابعاً سرپرستان همواره بااین کارمی‌کوشند که حس رقابت رادرکارگران بوجود بیاورند و کارگران رادراین بیم نگهدارند که مبادا یك موقعی متصدی یاسرپرستی به علل گوناگون این ماشینهارااز کارگرقبلی گرفته و به کارگرکمکی بدهد ، لذا کارگرقبلی ازترس ازدست دادن کارخود باید بیشترجان بکند . بهرحال بااین وضعیت دیده میشود که گاهاً کارگرانی که آشنائی کامل به ماشینی ندارند ، پشت

بقیه در صفحهٔ ۲

از سری اسناد انتشارات پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

مشت نمونهٔ خروار است!

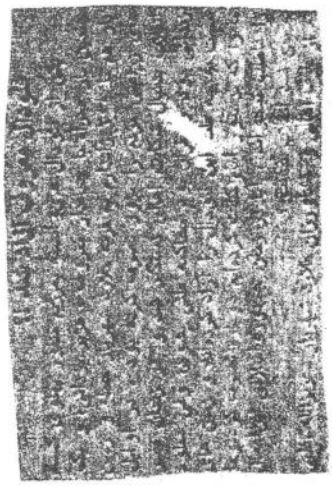

ایادی مسعودی در منطقه اشنو به مردم را غارت می کنند

هیئت حاکمه مدافع کیست؟

حکومت جمهوری اسلامی که دست در دست فئود الهای گردن کلفت و بکمك فرماندهان مزدور، به غارت جان و مال روستائیان زحمت کش می پردازد، آیا میتواند خود را مدافع زحمتکشان و یا بقول خود "مستضعفان" بداند؟ آیا حکومتی که دست غارتگران را باز میگذارد تا با خاطری آسوده شیرهٔ جان زحمتکشان را بمکند، حکومتی که فئود الهای وابسته به رژیم شاه را که بهمت مبارزات دهقانان روانهٔ زندان شده بودند، آزاد میکند تا جان و مال روستائیان را مورد تهاجم قرار دهند، میتواند خود را علیه ارتجاع مبارزه باز میندارن بزرگ و ایادی رژیم شاه قلمداد کند؟ براستی که این دو نامه مشتی از خروارها جنایات رژیم جمهوری اسلامی است. جنایاتی که بهمراهی فرماندهان مرتجع صورت میگیرد. اینك هرروز زحمتکشان بیشتری درمی یابند که حکومت عدل اسلامی، یعنی حکومت چپاولگران. حکومتی که درحق فئود الها و سرمایه داران زالوصفت عدالت را جایز میشمارد و درمقابل برزحمتکشان به طرق گوناگون ستم روا میدارد. براستی هیئت حاکمه مدافع کیست؟ هیئت حاکمه هرروز بیش از روز پیش عیان میسازد که مدافع ستمکاران، چپاولگران و استثمارگران است ●

وای، انسانهای بدبخت

وای، انسانهای بدبخت
برادرانتان سرکوب میشوند و شما چشم هم میگذارید؟
زخمیها فریاد میکشند و شما سکوت می کنید؟
جنایتکاران بدنبال قربانیان خود می گردند و شما میگوئید:
ماسکوت می کنیم، قربانی نخواهیم شد.
این چه شهری است و شما چگونه انسانهائی هستید؟
اگر در شهری حقوق حقه ای پایمال شد،
باید صدای حق طلبانه ای بیرون آید.
و اگر در جائی صدای حق طلبانه نباشد،
بهتر است که آن شهر سوزانده شود،
قبل از آنکه شب فرا رسد ●

((برتولد برشت))

اخبار...

سنقز * ۵۹/۵/۳ — در ساعت ۹ شب یکدسته از پیشمرگان کومه له با خمپاره ۱۲۰ و دیگر سلاحهای سنگین پادگان سقز را مورد حمله قرار دادند. در این حملات ضربات سختی به پادگان وارد شد و دهها پاسدار و ارتشی کشته و زخمی شدند، تعدادی از ساختمان ها و تأسیسات پادگان بشدت آسیب دیدند. این حمله روحیهٔ پاسداران و ارتشیان مستقر در پادگان را بشدت تضعیف نموده است. پیشمرگان پس از انجام موفقیت آمیز این برنامه به آرامی از موضع خود عقب نشینی کرده و سالم به پایگاه خود بازگشتند ● نقل از خبرنامه کومه له ۱۴

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org